

فیلم سینمایی «دوستان قدیمی» در واحد دوبلاژ اداره کل تأمین و رسانه بین الملل سیما دوبله شد. این سینمایی در گونه کمدی محصول آمریکا در سال ۲۰۲۳، قرار است از شبکه تهران پخش شود. مدیر دوبله این سینمایی زهره شکوفنده و صدابردار آن سعید عابدی است. دانیال الیاسی، ژرژ پطرسلی، ارسلان جولایی، زویا خلیل آذر، مهرالملوک رفیعی طلری، نفیسه زاجانیها، حسین سرآبادانی، شایان شامبیانی، بریا شفیعیان،

«دوستان قدیمی» به شبکه تهران می‌روند

خشایار شمشیرگران، محمد صادقیان، امیرمحمد صمصامی، نغمه عزیززی‌پور، کسری کیانی، ملیکا ملک‌نیا، غلامرضا مهرزادیان، مریم مهباندوست و زهره شکوفنده صدایشه‌های این اثر بوده‌اند. این فیلم، داستان جک و دودوست قدیمی‌اش مایک و کانرا را روایت می‌کند که در بحران میانسالی به‌سرمی‌برند. جک به‌دلیل مشکلاتی که در کنترل خشم خود دارد، با مدیر مدرسه پسرش و همچنین در سر کار (به‌خاطر توهمین‌های

نژادی) مشکلاتی پیدا می‌کند که باعث اخراج او از کار می‌شود. این مسأله زندگی ناشویی او با همسر باردارش لئارا نیز در خطر جدایی قرار می‌دهد که در نهایت همه چیز ختم به‌خیر می‌شود. این فیلم، داستان سه دوست قدیمی‌است که سال‌هاست باهم هستند اما دچار بحران‌هایی شده‌اند. از طرفی بحرانی روانی و نسلی و از طرف دیگر بحران کاری و عاطفی، اما در نهایت در کنار خانواده‌است که به آرامش می‌رسند.



رادیو اقتصاد؛ مرجعی جوان‌وپویا

شبکه رادیویی اقتصاد به‌تازگی شمع ۱۷سالگی خود را فوت کرد

رادیو اقتصاد یکی از شبکه‌های تخصصی معاونت صداست؛ شبکه‌ای که به‌عنوان یک رسانه مرجع اقتصادی در ترویج فرهنگ کار، تلاش، تولید و امیدآفرینی نقش بسزایی دارد و با بررسی ظرفیت‌های این شبکه و با پایش مستمر خواسته‌ها و مطالبات مخاطبانش در حوزه اقتصاد تلاش می‌کند جوابگوی نیازهای مخاطبان باشد. به بهانه ۱۷ سالگی این شبکه رادیویی با دست‌اندرکاران آن گفت‌وگو کردیم.



مریم کریمی
اگروه رسانه

صدای اصلاح الگوی مصرف



مهرگان طورسوادکوهی، حدود ۲۶ سال پیش وارد رادیو شده و سال‌های زیادی به‌عنوان گزارشگر، سردبیر، کارشناس مجری و تهیه‌کننده برنامه‌های رادیویی فعالیت داشته و در حال حاضر مدیر گروه اقتصاد و جامعه رادیو اقتصاد است. وی به‌جام‌جم می‌گوید: برنامه‌های رادیو اقتصاد در سه گروه برنامه‌ساز اقتصاد و جامعه، حکمرانی اقتصادی و کارآفرینی و کسب‌وکار طراحی و تهیه می‌شوند. این برنامه‌ها اغلب پژوهش‌محوند، به نیروی انسانی مطلع و متخصص نیاز دارند و اغلب در این برنامه‌ها چهره‌های صاحب‌نظر و مسئولان اقتصادی حضور دارند. از آنجا که رادیو اقتصاد در تقسیم‌بندی انواع رادیوها جزو رادیوهای تخصصی است، بنابراین از نظر محتوا با دیگر شبکه‌های رادیویی بسیار متفاوت است. شاید شبکه‌های دیگر به اقتضای شرایط روز جامعه به مسائل اقتصادی روزگیزی بزنند، اما رادیو اقتصاد به شکل تخصصی با رویکردهای آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی به‌طور تخصصی و جدی به مباحثی همچون رفتارشناسی اقتصادی، مدیریت اقتصاد خانوار، اصلاح الگوی مصرف، صادرات و واردات، اقتصاد کشاورزی، کارآفرینی و مدیریت کسب‌وکار... می‌پردازد.

سوادکوهی درباره مخاطبانی که پایه‌پای این

شبکه رادیویی برنامه‌ها را دنبال می‌کنند، یادآوری می‌کند: این شبکه طیف گسترده‌ای از مخاطبان را از قشرها و صنوف مختلف شامل می‌شود. بیشتر مخاطبان در سنین جوانی یا میانسالی هستند یا خود دست‌اندرکار کسب‌وکار خاصی هستند یا علاقه‌مندند که سطح دانش اقتصادی‌شان را افزایش دهند، به همین دلیل برنامه‌های شبکه اقتصاد را برای شنیدن انتخاب کرده‌اند و حتی از کارشناسان برنامه‌ها مشاوره می‌گیرند. مدیر گروه اقتصاد و جامعه رادیو اقتصاد از همه خوانندگان دعوت می‌کند که برای مدتی رادیو اقتصاد را بشنوند و ادامه می‌دهد: از خوانندگان دعوت می‌کنم رادیو اقتصاد را گوش کنند، مطمئن‌اند میان برنامه‌های متنوع این شبکه برنامه‌ای مطابق سلیقه و نیاز خود می‌یابند، هستند شنوندگان و مخاطبانی که با شنیدن بخشی از یک برنامه مسیر کاری و شغلی‌شان تغییر کرد و اکنون خود درصدد راه‌اندازی یک کسب‌وکار هستند.

ترسیم مسیری نو



شبکه رادیویی اقتصاد از سال ۱۳۷۶ تأسیس شد و اخیرا هفدهمین سالگرد خود را جشن گرفت. مهدی شیار، مدیر گروه حکمرانی اقتصادی با اشاره به این موضوع به‌جام‌جم می‌گوید: از ابتدای تأسیس رادیو اقتصاد که تحت نام رادیو تجارت بود، شروع به کار کردم، با این شبکه و با بسیاری از برنامه‌های آن

به‌عنوان تهیه‌کننده همکاری داشتم و اکنون نیز به‌عنوان مدیرگروه در خدمت همکاران هستم. با توجه به تغییر فضای رسانه‌ای و تنوع رسانه‌ها در حوزه‌های مختلف، به‌نظر می‌رسد کار تولید محتوایی که مورد پسند مردم و مخاطبان قرار گیرد، بسیار سخت شده است. به‌نظم شاید با روش‌های گذشته امکان جذب مخاطب به‌سادگی مقدور نباشد. در راستای رویکرد تحولی صداوسیما، رادیو اقتصاد هم تلاش می‌کند با تولید برنامه‌های جدید، چه در قالب و ساختار و چه در محتوا با استگویی نیاز شنوندگان خود باشد و وظیفه رسانه‌ای خود را به نحو احسن انجام دهد.

وی در خصوص ارتباط و تعامل با مخاطبان عنوان می‌کند: تعامل با مخاطبان در مسیر پیش‌روی شبکه جایگاه مهمی دارد. برنامه‌های متنوعی با تأکید بر نظرات و تعامل با شنوندگان در شبکه راه‌اندازی شده است. یکی از آخرین برنامه‌هایی که با تکیه بر نظرسنجی از مخاطبان طراحی و موضوع‌بندی شده و روی آنتن می‌رود، برنامه «راهکار» است؛ برنامه‌ای که با یک رویکرد آموزشی تلاش می‌کند در حوزه‌های مختلف کسب‌وکار و سرمایه‌گذاری به فعالان اقتصادی مشاوره کاربردی ارائه دهد. «راهکار» نمونه موفق برنامه‌های تعاملی شبکه است که توانستیم بازخورد خوبی از شنوندگان دریافت کنیم.

مرجع اطلاعات اقتصادی

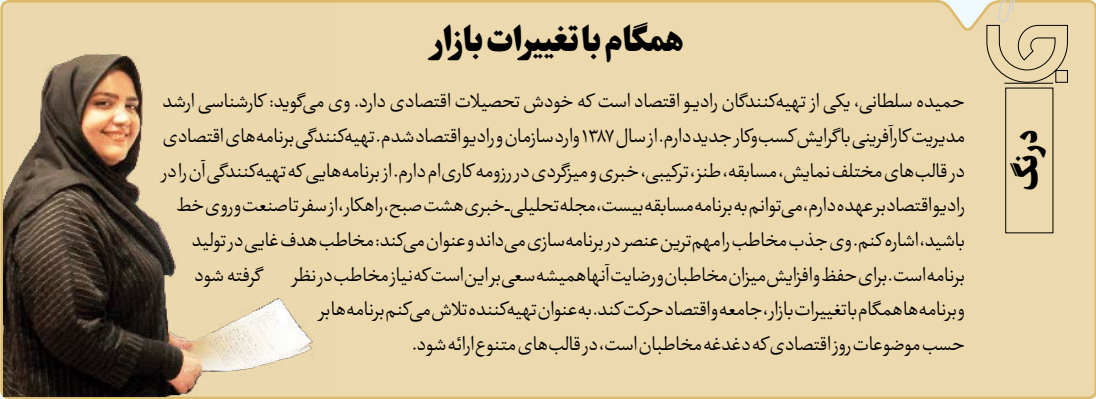
اسماعیل علی‌پناه برای هشتمین سال متوالی است که در رادیو اقتصاد کار تهیه‌کنندگی می‌کند. وقتی از او درباره برنامه‌هایش در این شبکه می‌پرسم، پاسخ می‌دهد: در حال حاضر تهیه‌کنندگی برنامه «شب آفتابی»، «صفر تا صد» و «سرای سرمایه» را بر عهده دارم. برنامه «سرای سرمایه» به بازارهای مالی مانند

همگام با تغییرات بازار

حمیده سلطانی، یکی از تهیه‌کنندگان رادیو اقتصاد است که خودش تحصیلات اقتصادی دارد. وی می‌گوید: کارشناسی ارشد مدیریت کارآفرینی با گرایش کسب‌وکار جدید دارم. از سال ۱۳۸۷ وارد سازمان رادیو اقتصاد شدم. تهیه‌کنندگی برنامه‌های اقتصادی در قالب‌های مختلف نمایش، مسابقه، طنز، ترکیبی، خبری و مرگ‌گیری در روزمه کاری‌ام دارم. از برنامه‌هایی که تهیه‌کنندگی آن را در رادیو اقتصاد برعهده دارم، می‌توانم به برنامه مسابقه بیست، مجله تحلیلی خبری هشت صبح، راهکار، از سفر تا صنعت و روی خط باشید، اشاره کنم. وی جذب مخاطب را مهم‌ترین عنصر در برنامه‌سازی می‌داند و عنوان می‌کند: مخاطب هدف غایی در تولید برنامه است. برای حفظ و افزایش میزان مخاطبان و رضایت آنها همیشه سعی بر این است که نیاز مخاطب در نظر و برنامه‌ها همگام با تغییرات بازار، جامعه و اقتصاد حرکت کند. به‌عنوان تهیه‌کننده تلاش می‌کنم برنامه‌ها بر حسب موضوعات روز اقتصادی که داغ‌غه مخاطبان است، در قالب‌های متنوع ارائه شود.



علی‌پناه ادامه می‌دهد: رادیو اقتصاد تمام تلاش‌ش را می‌کند که مرجع هرگونه اطلاعات اقتصادی باشد،



بازارهای مسکن، خودرو، طلا، بورس و دیگر بازارها می‌پردازد و هر روز ساعت ۱۴:۳۰ الی ۱۴:۴۰ از اول آبان از ساعت ۱۳ پخش می‌شود. برنامه «شب آفتابی» یک شب‌نشینی با کارآفرینان برتر است که با آنها در حوزه‌های مختلف کسب‌وکار گفت‌وگو می‌شود؛ این برنامه که از ساعت ۲۲ الی ۲۴ پخش می‌شود، به مشاوره کسب‌وکار می‌پردازد و به مخاطبان مشاوره می‌دهد. برنامه دیگری که دوشنبه‌ها ساعت ۱۰ روی آنتن می‌رود، به صنعت خودرو می‌پردازد و از چالش‌ها و فرصت‌های صنعت خودرو می‌گوید.

وی در پاسخ به این پرسش که مخاطبان رادیو اقتصاد از چه قشری هستند؟ به‌جام‌جم می‌گوید: درست است که رادیو اقتصاد رادیویی تخصصی است، اما قشرهای مختلفی برنامه‌های رادیو اقتصاد را می‌شنوند و به‌فراخور مطالب و محتوایی که ارائه می‌شود، مخاطب داریم. با این حال رسالت شبکه رادیو اقتصاد برای مخاطبان مشخص است. مخاطبانی که ما را دنبال می‌کنند با یک هدف مشخص برنامه‌ها را می‌شنوند؛ آموزش‌های اقتصادی، مدیریت‌های به‌روز اقتصاد، مطالعات اقتصادی و مواردی که به کسب‌وکار آنها کمک می‌کند و...؛ به همین دلیل انتخاب مخاطب گزیده‌تر است و این کار ما را سخت‌تر می‌کند، چون مخاطب هوشمندتر است.

تهیه برنامه‌های کیسولی



معصومه السادات سیدعلوی، یکی از گویندگان رادیو اقتصاد است که درباره شاخه‌ها و ویژگی‌های یک گوینده خوب می‌گوید: از سال ۱۳۸۵ افتخار گویندگی در رادیو دارم. به عقیده بنده هوش بالا و سرعت عمل در کنار دانش و مهارت از ضروریات یک گوینده و مجری خوب است؛ چرا که در شرایط حساس و از پیش تعریف‌نشده، هوش بالای گوینده بسیار کمک‌کننده خواهد بود.

وی درباره این‌که چگونه می‌توان مخاطبان کنونی را حفظ و شنونده‌های جدید را جذب کرد، توضیح می‌دهد: به‌نظم برای جذب بیشتر مخاطب، تهیه برنامه‌های کیسولی (کوتاه اما مفید) بسیار تأثیرگذار است؛ این‌که در زمان کوتاه مطلب یا نکته‌ای آموزش داده شود، بسیار کارساز خواهد بود و اگر به این موضوع به‌خوبی پرداخته شود به تعداد مخاطبان وفادار رادیو نیز افزوده خواهد شد و با تبلیغات دهان‌به‌دهان و فرد به فرد به‌سرعت مخاطبان جذب برنامه می‌شوند.

سیدعلوی با آرزوی اقتصادی بهتر برای جامعه فردفرد مخاطبان می‌افزاید: امیدوارم با بهبود وضعیت اقتصادی در جامعه، شاهد رونق تولید و صادرات در کشور باشیم و وقتی کسی از ما سؤال می‌کند که وضعیت اقتصاد به چه صورت است؟ بی‌هیچ تردیدی بگویم عالی.

خاطرات کاغذی

فروشگاه بزرگ پاندا

مریم فلاح: عموپاندا و شاگردش پاندای جوان، بعد از افتتاح **فروشگاه‌شان در جنگل مابو سعی داشتند مایحتاج حیوانات جنگل را به بهترین شکل ممکن تأمین کنند تا مشتری‌ها راضی از فروشگاه خارج شوند. مشتری آنها حیواناتی چون زرافه، اسب‌آبی، سنجاب، فیل و... بودند که به جهت ویژگی‌های خاص‌شان، مایحتاج‌شان به‌آسانی در فروشگاه یافت نمی‌شد. در چنین مواقعی برای این‌که آنها دست‌خالی به خانه نروند، عموپاندا سریع جنس مورد نظر مشتری‌اش را به کارخانه سفارش می‌داد تا مختص حیوان مورد نظر تولید شود. مثلاً شال گردنی به اندازه طول گردن زرافه، ماسکی به پهنای دهان اسب‌آبی یا کمربندی به اندازه دور کمر فیل. خاصه در مورد چنین اجناسی عموپاندا شخصاً دست‌به‌کار می‌شد، ساتنی‌ترش را برمی‌داشت و خیلی دقیق شروع می‌کرد به اندازه‌گیری اندام مشتری.**



کد QR برای دیدن داستان

روایت

امیر داسارگر آکارگردان تلویزیون و سینما

مجموعه یادداشت‌های سفر به لبنان/ بخش چهارم

روایت روضه



بعد از پیاده‌روی در ضاحیه مصمم بودم که در ابتدای سفرم سری به روضه‌الشهدای ضاحیه برزنم! حدود ساعت سه بود که به روضه رسیدیم! به نسبت سه سال قبل که این مکان مقدس را زیارت کرده بودم، اوضاع خیلی تغییر کرده بود! حضور مردم، آن هم در وسط هفته در اینجا برایم جالب بود. فضای آرام همیشگی روضه سر جایش بود، مردم در سکوت برای عزیزان تازه شهید شده گریه می‌کردند و عده‌ای هم مشغول آماده‌کردن چند قبر بودند. تصویر بزرگ شهید فواد شکر که در سفر قبل ناخواسته در موردش شنیده بودم و با او آشنا شده بودم، من را به سمت خودش کشاند. کنار مزار این شهید، قبر فرمانده شهید ابراهیم عقیل بود که هنوز سنگ نداشت و تازه دوسه روز از خاکسپاری‌اش می‌گذشت. به‌خاطر تازه‌بودن این شهادت، رفت‌وآمد بالای این مزار زیاد بود! چه از خانواده و چه مردم!

خیلی برایم سنگین بود! فرماندهی از بی‌فرمانده دیگر مسافر بهشت می‌شد و این چیزی نبود که این مردم و ما برایش آماده باشیم.



حالا قبرها در حال آماده‌سازی بودند و متوجه شدیم ساعت پنج مراسم تشییع برگزار می‌شود. با فرهاد تصمیم گرفتیم بمانیم. سری به روضه قدیمی‌تر و مزار حاج‌عماد زیم و بالا و پایین کردیم تا ساعت نزدیک پنج شد. دوباره برگشتیم به محل روضه جدید. کمی سلوغ‌تر شده بود. به فرهاد گفتم خیالم راحت شد. این تجمع هدف خوبی برای مباران بود، ولی تالین چشم‌آبی‌ها هستند جایمان امن است. فرهاد سعی کرد برای فیلمبرداری جای خوبی پیدا کند، ولی من سری به داخل روضه زدم. رفت‌وآمد بیشتر شده بود. این میان دو چیز خیلی توجهم را جلب کرد: حضور مردی به همراه دو دختر خیلی جوان بر سر مزار شهید عقیل. دختری در سکوت گریه شدیدی می‌کردند و قرآن می‌خواندند.

مرد هم خیلی باسلیقه داشت مزار را گل‌آرایی می‌کرد. از ظاهرش حدس زدم پادمان نسبت نزدیکی با شهید داشته باشد، نمی‌دانم ولی احتمال دادم پسرش باشد. دو فرمانده بزرگ تادقایی دیگر دهن می‌شدند ولی در هر دو خانواده اثری از بی‌تابی و جیج و فریاد و... نمی‌دیدم. کم‌کم مراسم شروع شد. صدای مارش موسیقی من را به‌سمت بیرون کشاند. خیلی دلنشین بود که موسیقی بهترین فیلم حاتم‌کیا البته از نظر من، مارش بدرقه شهید بود. تابوت‌ها خیلی آرام این چند قدم را طی کردند و بعد هم نماز و... و ادامه مراسم. بعد فهمیدم یکی از این دو شهید، کنار پسرش که فقط دو هفته پیش شهید شده دهن می‌شود. عظمت روح و بزرگی جهادشان برایم بیشتر شد. از روضه بیرون زدم و گوشه‌ای نشستم، فکر این که روزهای جنگ ۳۳ روزه تکرار و دوباره ضاحیه به یک ویرانه بزرگ تبدیل شود، در ذهنم می‌چرخید تا اینکه نسیم خنک عصرگاهی بیروت، من را متوجه پرچم در حال اهتزاز حزب کرد. پرچم زیبایی بود و خیلی زیبار در باد می‌قصید. هنوز برای سؤال‌ت جوابی پیدا نکرده بودم ولی دیدن این صحنه حس خوبی به من داد و انگار یکی در گوشم گفت: نگران نباش، این پرچم محکم سر جایش باقی خواهد ماند و این مسیر مجاهدت، تاپیروزی نهایی امتداد پیدا خواهد کرد. نهضت زنده می‌ماند چون شهید تقدیم می‌کند.



متن کامل

